



حرکت‌شناسی زبان بدن در نهج‌البلاغه بر اساس نظریه «پُل اکمن و والس فریسن» با سه رویکرد «منشأ-رمزگذاری - کاربرد»

محمدنبی احمدی*

(نویسنده مسئول)

دانشیار گروه عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

Email: Mn.ahmadi217@yahoo.com



زهرا جلیلیان**

دانشجو گروه عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

Email: z.jalili1988@gmail.com



اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳

تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

نهج‌البلاغه، زبان بدن، والس فریسن و پُل اکمن، منشأ، کاربرد، رمزگذاری.

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2021.326880.863

احمدی، محمدنبی، جلیلیان، زهرا. (۱۴۰۱). حرکت‌شناسی زبان بدن در نهج‌البلاغه بر اساس نظریه «پُل اکمن و والس فریسن» با سه رویکرد «منشأ-رمزگذاری - کاربرد». پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۲ (۱)، ۱-۱۴.

ahmadi, M., jalilian, Z. (2022). Analysis of body language used in Nahj al-Balaghah based on Ackman and Frierson's theory: Source, encryption, and application. Foreign Language Research Journal, 12 (1), 1-14.

*نویسنده بیشتر از ۳۰ مقاله علمی پژوهشی / نویسنده بیشتر از ۵۰ مقاله همایشی بین‌المللی و ملی / مسؤولیت‌های مختلف / عضویت در کارگروه‌های مختلف / تألیف چند کتاب / راهنمایی و مشاوره بیشتر از ۳۰ پایان‌نامه.

**دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب / مترجم رمان النوم فی حقل الکرز / نویسنده یک مقاله علمی پژوهشی / نویسنده چندین مقاله همایشی



Analysis of body language used in Nahj al-Balaghah based on Ackman and Frieson's theory: Source, encryption, and application



Mohamad Nabi Ahmadi*

(corresponding author)

Associate Professor of Arabic Language, university of Razi, Kermanshah, Iran

Email: Mn.ahmadi217@yahoo.com



Zahra Jalilian**

PhD Student of Arabic Language, university of Razi, Kermanshah, Iran

Email: z.jalili1988@gmail.com

ABSTRACT

The signs in communication are not certainly limited to language. Many concepts are expressed non-verbally. Non-verbal communication is a new field of study that examines and analyzes messages in non-verbal behaviors, such as facial expressions, eye contact, and gestures, which people use to convey the message and help the reader understand it. Paul Ackman and Wallace Frieson have conducted extensive research on nonverbal activities aimed at better understanding people's feelings and behaviors. They have analyzed nonverbal activities in three ways: 1. Source 2. Encryption 3. Application. Source is the origin of every action and can be intrinsic, fixed, and of cultural educational nature. Encryption refers to the relation of action to meaning, and it can be conventional, visual, and instinctive. Application includes the amount of informational nonverbal behavior that can be communicative, interactive, and informational. This research is a descriptive-analytical method based on the approaches mentioned by Ackman and Frieson about body language in Nahj al-Balaghah through which facial expressions, movements of eyes and hands, and tactile gestures are examined and described. The results of analyzing examples of body language used in Nahj al-Balaghah based on Ackman and Frieson's theory show that Nahj al-Balaghah has such a high capacity in terms of body language that it can be analyzed through new theories of non-verbal communication and the origin of "face language", having a high frequency in Nahj al-Balaghah, being inherently and instinctively encoded, and used for informative purposes.

DOI: 10.22059/JFLR.2021.326880.863

ARTICLE INFO

Article history:

Received: July 13, 2021

Accepted: September 25, 2021

Available online:
Spring2022

Keywords:

application, encryption, body language, Nahj al-Balaghah, source

ahmadi, M., jalilian, Z. (2022). Analysis of body language used in Nahj al-Balaghah based on Ackman and Frieson's theory: Source, encryption, and application. Foreign Language Research Journal, 12 (1), 1-14.

* Author of more than 30 scientific research articles / Author of more than 50 international and national conference papers / Different responsibilities / Membership in various working groups / Author of several books / Guidance and advice of more than 30 dissertations.

** PhD Student in Arabic Language and Literature / Translator of the novel Al-Nom Fi Haql Al-Karz / Author of a Scientific Research Article / Author of Several Conference Papers

عمده چهارچوب نظری بحث در الگوهای پیشنهادی صاحب‌نظران و ترجمه‌پژوهان برای ترجمه‌اسامی خاص ریشه دارد. در این میان، چند راهکار و الگو زبان‌زد است. از آن جمله است: نیومارک (Newmark, 1988)، هاروی و هیگنز (Hervey & Higgins, 1992)، بیکر (۱۹۹۲)، لپپهالم (Lippihalme, 1997)، فرناندز (Fernandes, 2006)، و سارکا (Sarkka, 2007) (بنگرید به حرّی، ۱۳۹۸). در این میان، الگوی کارآمدتر را لپپهالم (۱۹۹۷) برای ترجمه‌اسامی تلمیح‌دار پیشنهاد می‌کند. لپپهالم (۷۸-۹) برای ترجمه‌اسامی خاص سه راهکار کلی دارد: یا اینکه نام خاص بدون تغییر در زبان مقصد حفظ شود؛ یا اینکه نام خاص تغییر کند؛ یا اینکه نام خاص در کل حذف شود (بنگرید به ادامه). همچنین، فرناندز (۲۰۰۶) در بررسی اسامی خاص در فانتزی‌های کودکان، به ده راهبرد برای ترجمه‌اسامی اشاره می‌کند: حفظ معنا (rendition)، کپی (copy)، ترانویسی (transliteration)، نوآفرینی (re-creation)، جایگزینی (substitution)، حذف (deletion)، اضافه (addition)، جابجایی (disposition)، جایگزینی آوایی (phonological replacement)، عرف‌گرایی (conventionality). البته، نیک پیداست که این الگوها در برخی مؤلفه‌ها با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. در مجموع، می‌توان مؤلفه‌های این الگوها را ذیل دو عنوان کلی راهبردهای ترجمه غرابت‌زا (foreignizing strategies) و غرابت‌زدا

بحث ترجمه‌اسامی خاص، یکی از مباحث چالش‌برانگیز مطالعات ترجمه و به طریق اولی، ترجمه‌ادبی محسوب می‌شود و از دو حیث اهمیت دارد. اول: اسامی خاص از عناوین آثار ادبی گرفته، تا اسامی شخصیت‌ها، مکان‌های جغرافیایی، اماکن تاریخی، واژگان فرهنگی و مذهبی، واژگان معماری، اسامی گل‌ها و گیاهان و جز اینها، از جمله مقولات فرهنگ مادی و معنوی هر زبان و فرهنگ و سرزمین محسوب می‌شود. حال، با توجه به این که گاه، این اسامی، در یک فرهنگ، بار معنایی خاص هم پیدا می‌کنند و به هویت و ایدئولوژی آن فرهنگ گره می‌خورند، توجه به ترجمه‌گری این اسامی دوچندان اهمیت می‌یابد. از حیث دیگر، شگردهای مترجمان در برگردان اسامی خاص ممکن است به نوعی از حضور مترجمان در متون ترجمه شده و به طریق اولی، از سبک و صدای مترجمان هم خبر بدهد. به نظر می‌رسد بررسی ترجمه‌گری اسامی خاص که از رهگذر الگوها و رویکردهای گوناگون صورت می‌گیرد، می‌تواند از حضور و سبک و صدای مترجمان نشانی به دست بدهد. این مقاله، سبک صالح حسینی در مقام مترجم ادبی را از رهگذر بررسی شگردهایی که در ترجمه‌اسامی خاص پنج رمان از دو نویسنده به کار برده است، از منظر الگوی پیشنهادی لپپهالم بررسی و تبیین می‌کند.

(۲) پیشینه و چهارچوب نظری بحث

(domesticating strategies) جای داد که در ادامه
جزیی تر بررسی می‌شوند.

همان‌گونه که گفته شد، اسامی خاص، انواع و اقسام
گونگون دارند، و در متون به ویژه ادبی، کارکردها و
نقش‌های مختلف نیز ایفا می‌کنند. از یک سو، اسامی خاص
جزو مقولات فرهنگی قرار می‌گیرند. نیومارک (۱۹۸۸)
فرهنگ را روش زندگی و تجلیات آن می‌داند که مختص
جامعه‌ای است که از زبانی خاص برای بیان افکار خود
استفاده می‌کند. ورمیر (Vermeer, 2007) زبان را فرهنگ
و فرایند زبانی تعریف می‌کند. از منظر وی، زبان، بخش
خودویژه زبان است و ترجمه، پدیده‌ای فرهنگی است که با
فرهنگ‌های خودویژه سر و کار دارد: ترجمه، فرایند انتقال
فرهنگ است» (ص. ۴۰). وویو (Wu, 2008: 123)
فرهنگ را «روش کلی زندگی یک جامعه» می‌داند که
مشمول همه شئون زندگی می‌شود. مزماز (Mezmaز,
2010) آن را مجموعه‌ای از نگرش‌هایی می‌داند که
رفتارهای گروهی را در اختیار دارد. همه این تعاریف بر
ارتباط میان زبان و فرهنگ تأکید می‌کنند.

در ارتباط با طبقه‌بندی نام‌های خاص، نیومارک (۱۹۸۸)
مقولات فرهنگی را از چند قسم می‌داند که فرهنگ مادی و
اجتماعی از این مقوله‌اند. میرزاسوزنی (۱۳۸۷) اسامی خاص
را از حیث معنایی، از چهار نوع می‌داند: مادی یا جسمانی
(concrete) مشتمل بر اسامی مربوط به اشیاء و اجسام
محیط اطراف؛ مجازی (figurative) عمدتاً ناظر به اسامی

خاص؛ فنی و تخصصی (technical) مشعر به واژگان
علمی و تخصصی رایج در حرفه‌ها و پیشه‌ها و کسب و کار
فنی؛ و عامیانه و محاوره‌ای (slang) ناظر به کاربرد اسامی
در زبان گفتار و محاورات. میرزاسوزنی (همان) به تبعیت از
نیومارک و سایرین که پیش‌تر اشاره کردیم، اسامی خاص را
به اقسامی تقسیم می‌کند: ۱) اسامی خاص ناظر به اشخاص؛
۲) نام‌های جغرافیایی متأثر از سه عامل: مکانی، زبانی و
انسانی؛ و ۳) نام‌های ناظر به اشیاء. مراد از نام افراد، نام
شخصیت‌ها در آثار ادبی است. برای نام‌های جغرافیایی
می‌توان به نام مکان‌ها و محل‌ها، و برای نام اشیاء می‌توان به
هر گونه نام ناظر به اشیاء اشاره کرد که نمونه‌های آن در
ترجمه‌گری نام‌های خاص در پنج رمانی که صالح حسینی
ترجمه کرده، به کرات آمده است که بدان‌ها اشاره خواهد
شد. از میان منابع مختلف مرتبط با بررسی نام‌های خاص،
هیچ منبعی، نام‌های خاص را در این پنج رمان بررسی نکرده
است، جز اینکه حری (۱۳۸۹) ترجمه گفتمان غیرمستقیم
آزاد رال در ترجمه فارسی به سوی فانوس دریایی بررسی
کرده است. چند پژوهشگر نیز نام‌های خاص را در آثار ادبی
مختلف بررسی کرده‌اند. از آن جمله است عنابی سراب
(۱۳۸۸) که ترجمه نام‌های خاص را در رمان‌های ترجمه
شده کودکان و نوجوانان بررسی کرده است.

۳) ترجمه‌گری اسامی خاص در پنج ترجمه

فارسی از صالح حسینی

صالح حسینی (۱۳۲۵-) از جمله مترجمان ایرانی است که چندین آثار شاخص ادبی جهان را از نویسندگان مختلف به فارسی برگردانده است. برای نمونه، حسینی از میان آثار مختلف، رمان‌هایی از ویرجینا وولف، جوزف کانراد، جرج آرول، و ویلیام فاکنر را ترجمه کرده است. به نظر می‌رسد هر یک از این نویسندگان سبک و سیاق خود را دارند. با این حال، حسینی در مقام مترجم ادبی توانسته است با تکرار برخی الگوهای تکرارشونده، ضمن حفظ ویژگی‌های سبکی این نویسندگان واجد سبک‌های منحصربه‌فرد، ویژگی‌های سبکی و در واقع، اثر انگشت خود را نیز پای این پنج ترجمه بگذارد. در این مطالعه، به ترجمه‌گری حسینی از نام‌های خاص در پنج رمان از دو نویسنده اشاره می‌شود: جرج آرول (۱۹۱۴ و *مزرعه حیوانات*) و ویلیام فاکنر (*خشم و هیاهو*، *آبسالوم! آبسالوم!*، و *برخیز ای موسی*). به نظر می‌رسد ترجمه‌گری اسامی خاص یکی از راه‌های بررسی حضور گفتمانی مترجم و بالتیجه، پی بردن به سبک و سیاق مترجم در متون ترجمه‌شده باشد.

البته، بحث سبک و سبک‌شناسی از جمله مسائل دراز دامن و پیچیده مطالعات ادبی است و از بدو پیوند مطالعات ادبی با مطالعات ترجمه، مقوله سبک همواره از مباحث چالش‌برانگیز و پرچندوچون بوده است. برای سبک، تعاریف مختلف ارائه کرده‌اند و هر دوره و مکتب ادبی نیز سبک را به طرق مختلف تعریف کرده است. اما جملگی بر این باورند که سبک با چگونگی کاربرد زبان در ارتباط است. اینکه نویسنده چگونه از زبان برای بیان مقاصد خود

استفاده می‌کند. در یک تعریف شناخته شده، سبک را بررسی عادت‌های زبانی (*linguistic habits*) نویسندگان تلقی می‌کنند و در واقع، هر نویسنده برخی الگوهای تکرارشونده در استفاده از زبان دارد که عمدتاً به صورت ناخودآگاه از آنها استفاده می‌کند. این عادت‌های زبانی از نویسنده‌ای به نویسنده دیگر فرق می‌کند. نحوه‌ای که مثلاً وولف از عادت‌های زبانی خود استفاده می‌کند، از نحوه‌ای که آرول، کانراد و فاکنر از این عادت‌های زبانی استفاده می‌برند، یکسان نیست. حتی، عادت‌های زبانی یک نویسنده در آثار مختلف خود نیز یکسان نیست. حال، وقتی بحث ترجمه سبک نویسنده به زبانی دیگر به میان می‌آید، این عادت‌های زبانی دوجندان اهمیت می‌یابند. در اینجا، البته مسأله و معضلی مهم نیز پیشامد می‌کند: اگر سبک نویسنده، اثر انگشت نویسنده (بیکر، ۲۰۰۰) تلقی می‌شود، آیا این سبک در برگردان به زبانی دیگر باید حفظ شود یا تغییر کند؟ اگر قرار است حفظ شود، پس بر سر سبک و صدای مترجم چه می‌آید که خود ممکن است دارای سبک و صدای خاص خود باشد؟ اگر مترجم صاحب سبک باشد، پس بر سر سبک و صدای خود نویسنده اصلی چه می‌آید؟ در این‌جا به نظر می‌رسد بحث تعادل سبکی (*stylistics equivalence*) اهمیت پیدا می‌کند. از این حیث، سبک در ترجمه، در واقع، حفظ تعادل سبک نویسنده و سبک مترجم است. مترجم در عین وفاداری نقشی به سبک متن اصلی می‌کوشد که ویژگی‌های سبکی و در واقع، اثر انگشت خود را نیز در متن ترجمه شده، حفظ کند. روش‌های بسیاری

برای سنجیدن تعادل سبکی ارائه شده است. به نظر می‌رسد ترجمه‌گری اسامی خاص از جمله مقوله‌هایی باشد که بتوان بحث تعادل سبکی میان نویسنده و مترجم را در آن دنبال کرد. در واقع، به نظر می‌رسد مترجمان ممکن است از رهگذر شگردهایی که در ترجمه اسامی خاص - در گسترده‌ترین معنای کلمه - به کار می‌بندند، بتوانند ضمن حفظ ویژگی‌های متن اصلی، ویژگی‌های سبک و صدای خود را نیز حفظ کنند. از این منظر، ترجمه‌گری شگردهای اسامی خاص ممکن است از جمله راهبردهای ایجاد تعادل سبکی در بین متون اصلی و متون ترجمه‌شده محسوب شود. در این مقاله، شگردهایی که صالح حسینی در مقام مترجم ادبی برای ترجمه اسامی خاص پنج رمان از دو نویسنده به کار گرفته، از منظر الگوی پیشنهادی لپی‌هالم بررسی می‌شود.

(۴) روش تحقیق

از میان روش‌شناسی‌های مختلف برای بررسی ترجمه‌گری نام‌های خاص که صاحب‌نظران ارائه کرده‌اند، این مقاله، الگوی پیشنهادی لپی‌هالم (۱۹۹۷) را مبنا و چهارچوب عملی بررسی قرار می‌دهد. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد این الگو سه مولفه اصلی و چندین زیرشاخه دارد: (۱) صورت نام‌های خاص متون مبدأ در زبان مقصد حفظ می‌شود (۲) نام‌های خاص با نام‌های دیگر جایگزین می‌شوند و (۳) نام‌های خاص حذف می‌شوند. به مؤلفه‌های فرعی این الگو در جدول‌های زیر اشاره شده است.

گردآوری دادگان

برای گردآوری دادگان، نام‌های خاص مشتمل بر نام شخصیت‌ها، نام مکان‌ها، و نام اشیاء ابتدا در ترجمه فارسی دو رمان آرول یعنی ۱۹۱۴ و *مزرعه حیوانات*، و سپس، همین نام‌ها در سه ترجمه فارسی سه رمان فاکتر یعنی *خشم‌وهیاهو*، *آبشالوم! آبشالوم!* و *برخیز ای موسی*، جمع‌آوری و جدول‌بندی می‌شوند.

یک نویسنده، دو رمان، یک مترجم

صالح حسینی از جرج آرول دو رمان معروف *مزرعه حیوانات* و ۱۹۱۴ را ترجمه کرده است. ابتدا، گزیده‌ای از نام‌های خاص شخصیت‌ها، مکان‌ها، و اشیاء در این دو رمان گردآوری می‌شوند.

۱۹۱۴		مزرعه حیوانات	
برگردان	نام شخصیت	نام شخصیت	برگردان
وینستون اسمیت	Winston Smith	Mr. Jones	آقای جونز
امانوئل گلداشترین	Emmanuel Goldstein	Mr. Fredrick	آقای فردریک
اوبراین	O'Brien	Mr. Pilkington	آقای پیل کینگتون
خانم پارسونز	Mrs Parsons	Mr Whymper	آقای وایمپر
تام	Tom	Pinkeye	چشم صورتی
تیلاتسون	Tillotson	Bluebell	بلوبل

سن پانکراس	Station		
جزایر آتلانتیک	British Isles		
پرتغال	Portugal		

جدول

۲: گزیده نام مکان‌ها در دو رمان اُروِل

گزیده‌ای از نام عمومی اشیاء و ترجمه آنها در جدول زیر

آمده است:

جسی	Jessie	Withers	ویترز
پینچر	Pincher	Ogilvy	اگیلوی
باکسر	Boxer	Syme	سایم
کلور	Clover	Rutherford	روتفورد
موریل	Muriel	Shakespeare	شکسپیر
ناپلئون	Napoleon	Milton	میلتون
اسنوبال	Snowball	Byron	بایرون
موزز	Moses	Katharine	کاترین
بنجامین	Benjamin	Mr Charrington	آقای چارینگتون

جدول ۱: گزیده‌ای از نام شخصیت‌ها در دو رمان اُروِل

مزرعه حیوانات		
برگردان	نام اشیاء	برگردان
وزارت حقیقت	March	مارس
وزارت حقی	June	ژوئن
وزارت اصل	October	اکتبر
وزارت عشق	January	ژانویه
وزارت فراوانی	November	نوامبر
اداره بایگانی	August	آگوست
اداره فیکشن		
گروه جوانان ضد سکس		
حزب مرکزی		
انجمن اخوت		

گزیده نام مکان‌ها در دو ترجمه رمان‌های اُروِل در جدول

زیر آمده است:

۱۹۱۴		مزرعه حیوانات	
برگردان	نام مکان‌ها	نام مکان‌ها	برگردان
لندن	London	Manor farm	مزرعه اربابی
اقیانوسیه	Oceania	England	انگلیس
باغچه	crazy garden	Ireland	ایرلند
آفریقا	Africa	Berkshire	برکشایر
مغولستان	Mongolia	Sugarcandy mountain	کوه پر از شهد و شکر
مدیترانه	Mediterranean	Willingdon	ولینگدون
اورسیه	Eurasia	Red lion	شیر سرخ
شرقاسیه	Eastasia	Animal farm	مزرعه حیوانات
ایسلند	Lceland	Foxwood farm	مزرعه فاکس وود
جزایر فارو	Faroe Islands	Pinchfield farm	مزرعه پینچ فیلد
انگلستان	England	Minorca	مینورکا
بریتانیا	Britain		
ایستگاه	Saint Pancras		

جدول ۳: گزیده نام اشیاء در دو رمان اُروِل

تحلیل دادگان نام‌های خاص در دو ترجمه فارسی

رمان‌های جرج اُروِل

برای آنکه بتوان از شیوه‌های راهبردی صالح حسینی از رهگذر ترجمه‌گری نام‌های خاص در این سه رمان، تحلیلی دقیق‌تر به دست داد، به الگوی لپی‌هالم (۱۹۹۷) اشاره می‌شود که به صورت جزئی‌تر ذیل تحلیل دادگان به آنها اشاره خواهد شد. بر اساس مؤلفه‌های این الگوی راهبردی،

حرکت از راهبرد اول (یعنی انتقال همان نام به همراه راهبردهای فرعی) که به ترجمه‌های غرابت‌زا (foreignized translation) می‌گراید، به سمت راهبرد دوم (یعنی جایگزینی نام با نامی دیگر به همراه زیرمجموعه‌های آن) که به ترجمه‌های غرابت‌زدا (domesticated translation) سوق می‌یابد، نشان می‌دهد تا چه اندازه مترجم کوشیده است از ساختارهای متن اصلی فاصله بگیرد و به ساختارهای زبان مقصد نزدیک شود.

تحلیل کلی دادگان

بسامد استفاده صالح حسینی از مؤلفه‌های الگوی لپی‌هالم در ترجمه فارسی دو رمان اُرول در جدول زیر آمده است:

نشانه	نام راهبرد	بسامد در ترجمه حسینی
(I)	انتقال همان نام (بدون تغییر و مطابق صورت قراردادی آن در زبان مقصد)، با سه زیر مجموعه:	-
ia	استفاده از همان نام	-
iaa	حفظ صورت آوایی و نوشتاری نام	۵۵
iab	تغییر صورت آوایی و نوشتاری نام	۲۶
ib	استفاده از همان نام به همراه توضیح اضافی	-
iba	ذکر توضیح و توصیف برای خواننده	-
ibb	ارجاع خواننده به نامی آشنا در فرهنگ مقصد	-
ic	استفاده از همان نام به اضافه توضیح جزئیات، برای نمونه، در قالب پانویشت	۴
iic	حفظ بخشی از نام و ترجمه بخش	۵

	دیگر	
(II)	جایگزینی نام با نامی دیگر که دو زیرمجموعه دارد:	-
iiia	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مبدا	-
iiib	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مقصد	۱۱
iiiba	جایگزینی نام به وسیله نام زبان مقصد به همراه مقداری اطلاعات و راهنمایی	۱۵
iiibb	جایگزینی نام با نام زبان مقصد به همراه پانویس	۶
iiibc	جایگزینی نام بدون ارائه توضیح	۳
iiibd	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مبدا	۳
(III)	حذف نام که دو زیر مجموعه دارد	-
Iiia	حذف نام اما انتقال مفهوم به کمک نام دیگر	-
iiib	حذف هر دو نام	-

جدول ۴: بسامد راهبردهای حسینی بر اساس الگوی لپی‌هالم

در دو رمان اُرول

همان‌گونه که از جدول پیداست، حسینی از راهبردهای لپی‌هالم به نسبت‌های مختلف استفاده برده است. بسامد این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد صالح حسینی کوشیده است به نسبت‌های مختلف هم از راهبردهای ترجمه غرابت‌زا استفاده ببرد که وفاداری وی را به ویژگی‌های متن اصلی نشان می‌دهد که از جمله شاخص‌های سبکی متن و نویسنده اصلی است، و هم از راهبردهای ترجمه غرابت‌زدا که توجه وی را به حفظ ویژگی‌های سبکی زبان فارسی نشان می‌دهد. با این حال، نکته مهم این است که حسینی علاوه بر حفظ ویژگی‌های سبکی نویسندگان متون مبدا،

کوشیده است از رهگذر راهبردهای غرابت‌زدایی، ویژگی‌های سبکی خود را نیز به نمایش بگذارد. طرفه این‌که، این ویژگی‌های سبکی ممکن است به مسأله‌ای کلی‌تر در سطح کلان هم منجر شود که از آن می‌توان به حضور گفتمانی (discursive presence) و صدای مترجم (translator's voice) در زبان و فرهنگ مقصد یاد کرد که پرداختن به آن بحثی مستوفای می‌طلبد.

یک نویسنده، سه رمان، یک مترجم

صالح حسینی علاوه بر دو رمان از جرج آرول، سه رمان حال، خشم و هیاهو، آبشالوم! آبشالوم! و برخی‌ای موسی را نیز از فاکتر ترجمه کرده است. در اینجا، ابتدا، به ترجمه‌گری حسینی از نام خاص شخصیت‌ها، سپس، به برگردان نام مکان‌ها، و در نهایت، به برگردان نام اشیاء از منظر الگوی لپی‌هالم اشاره می‌شود. ابتدا، نام خاص شخصیت‌ها و ترجمه آنها در سه رمان فهرست می‌شود:

Tomy's Turl	تامیزتر ل	Sutpen	ساتپن	Uncle Maury	دائی موری
Cass	کاس	Ellen	الن	Benjamin	بنجامین
Hubert Beauchamp	هوبرت بوچام	Miss Rosa Coldfield	میس رزا کولدفیلد	Caroline	کارولین
Miss Sophonsiba	میس سوفونسیبا	Judith	جودیت	Dilsey	دیلسی
Tennie	تنی	Henry	هنری	Roskus	راسکوس
		Thomas	تامس	Cahline	کاولین
				Queenie	کوینی
				T.P	تی‌پی
				Fancy	فَنسی
				Mrs Patterson	خانم پاترسون
				Quentin	کونتین
				Jason	جیسون

جدول ۵: گزیده‌ای از نام شخصیت‌ها در سه رمان فاکتر

گزیده اسامی مکان‌ها در سه ترجمه رمان فاکتر در جدول زیر آمده است:

برخی‌ای موسی		آبشالوم! آبشالوم!		خشم و هیاهو	
نام	مکان	نام	مکان	نام	مکان
برگردان	نام مکان‌ها	برگردان	نام مکان‌ها	برگردان	نام مکان‌ها
Jefferson	جفرسن	Yaknapatawpha	یاکناپاتاوپا	Harvard	هاروارد
Warwick	واریک	Virginia	ویرجینیا	Jefferson	جفرسن

برخی‌ای موسی		آبشالوم! آبشالوم!		خشم و هیاهو	
نام	شخصیت	نام	شخصیت	نام	شخصیت
برگردان	نام شخصیت	برگردان	نام شخصیت	برگردان	نام شخصیت
ISAAC McCASLIN	اسحاق مکازلین	Miss coldfield	میس کولدفیلد	Luster	لاستر
Uncle Ike	عمو اسو	Quentin	کونتین کامپسون	Caddie	کدی
Uncle Buck	دایی باک	Harward	هاروارد	Versh	ورش

nds	آفتابگیر	Christmas	کریسمس
a trellis	داربست چوبی	Santy Claus	بابا نوئل
chair	صندلی فلزی	Cemetery	اهل قبور
color	آب رنگ	August	اوت
ck	کلنگ	valley	وادی مرگ
e	تبر	Chimaera	خیمایر
ce	سجاف	Eden	عدن
		steepleUnitarian	کلیسای موحدین
		Pony	تادی
		Sassprilluh	ساساپاریا
		Galilee	دریای جلیل
		Easter	عید پاک
		Decoration Day	روز یادبود
		Yankees	ینگه ای

جدول ۷: گزیده نام اشیاء در سه رمان فاکنر

در جدول ۸، بسامد نام شخصیت‌ها در این سه رمان فاکنر از منظر الگوی لپیهالم آمده است:

نشانه	نام راهبرد	خشم و هیاهو	آبشالوم!	برخیز ای	بسامد
Iaa	حفظ صورت آوایی و نوشتاری نام	۱۲	۸	۴	۲۴
iab	تغییر صورت آوایی و نوشتاری نام	۲	۱	۲	۵
iic	حفظ	۴	۰	۲	۶
	بخشی از	برخیز ای موسی			
	نام اشیاء و برگردان	برگردان		نام اشیاء	

	ک		نیا		ن
Hall	سرسه را	Tennessee	تنسی	Mississippi	میسیسیپی
Gallery	هشتی	Mississippi	میسیسیپی	Avenue South Bend Indiana	خیابان ساوت بندایندایانا
Mississippi	میسیسیپی	New Orleans	نیو اورلئان	America	امریکا
		Carolina	کارولینا	Cambridge	کمبریج
		Jefferson	جفرسون	salt lick	نمکزار
		Gallery	ایوان	French Lick	فرنچ لیک
				Canada	کانادا
				Havana	هاوانا
				Boston	بوستون
				Massachusetts	ماساچوست
				New England	نیو انگلند
				Pennsylvania	پنسیلوانیا
				Eddy	ادی

جدول ۶: گزیده نام مکان‌ها در سه رمان فاکنر

گزیده‌ای از اسامی عمومی و ترجمه آنها در سه ترجمه رمان فاکنر در جدول زیر آمده است:

-	-	-	-	جایگزینی ی نام با نامی دیگر در زبان مقصد	lib
-	-	-	-	استفاده از همان نام به همراه توضیح اضافی	Ib

جدول

۹: گزیده نام مکان‌ها در سه رمان فاکتر از منظر لیبهالم

				ترجمه بخش دیگر	
-	-	-	-	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مقصد	iib
-	-	-	-	استفاده از همان نام به همراه توضیح اضافی	Ib

جدول

۸: گزیده نام شخصیت‌ها در سه رمان فاکتر از منظر لیبهالم

نشاز	نام	خشتم‌وهیاه	آبشالوم/آبشاپ	برخیه	بسام
۵	راهبرد	و	وم!	زای موسه ی	د در سه ترجمه ۵
Iaa	حفظ صورت آوایی و نوشتار ی نام	-	-	-	-
Iab	تغییر صورت آوایی و نوشتار ی نام	-	-	-	-
Iic	حفظ بخشی از نام و ترجمه بخش دیگر	-	-	-	-

نشاز	نام	خشتم‌وهیاه	آبشالوم/آبشاپ	برخیه	بسام
۵	راهبرد	و	وم!	زای موسه ی	د در سه ترجمه ۵
Iaa	حفظ صورت آوایی و نوشتار ی نام	۱۵	۶	۲	۲۳
Iab	تغییر صورت آوایی و نوشتار ی نام	۲	۱	۰	۳
Iic	حفظ بخشی از نام و ترجمه بخش دیگر	۴	۰	۰	۴

۴۵	۱۶	۱۴	۱۵	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مقصد	Iib
۲	۰	۱	۱	استفاده از همان نام به همراه توضیح اضافی	Ib

جدول ۱۰: گزیده نام اشیاء در سه رمان فاکتر از منظر لپیالم

به بسامد کلی اقسام نام‌های خاص در سه رمان فاکتر با

ترجمه صالح حسینی اشاره می‌شود:

نشانه	نام راهبرد	خشم‌وهیاه	آبشالوم	برخیز	بسامد
		و	!	ای	در سه
			آبشایوم	موس	ترجم
			!	ی	ه
(I)	انتقال همان نام (بدون تغییر و مطابق صورت قراردادی آن در زبان مقصد)، با سه زیر مجموعه:	-	-	-	-
ia	استفاده از همان نام	-	-	-	-
iaa	حفظ صورت آوایی و نوشتاری	۲۷	۱۴	۷	۴۶

نام					
iab	تغییر صورت آوایی و نوشتاری نام	۴	۲	۲	۸
ib	استفاده از همان نام به همراه توضیح اضافی	۱	۰	۱	۲
iba	ذکر توضیح و توصیف برای خواننده	۰	۰	۰	-
ibb	ارجاع خواننده به نامی آشنا در فرهنگ مقصد	۰	۰	۰	-
ic	استفاده از همان نام به همراه توضیح جزئیات، برای نمونه، در قالب پانوشت	-	-	-	-
iic	حفظ بخشی از نام و ترجمه بخش دیگر	۸	۰	۲	۱۰
(II)	جایگزینی نام با	-	-	-	-

				اما انتقال مفهوم به کمک نام دیگر	
-	-	-	-	حذف هر دو نام	iiib
-	-	-	-	حذف بخشی از نام بدون توضیح	iiic

جدول ۱۱: بسامد کلی نام‌های خاص در سه رمان فاکنر

با ترجمه حسینی بر اساس لپی‌هالم (۱۹۹۷)

همان‌گونه که پیداست، صالح حسینی در ۴۶ نمونه، راهبرد صورت آوایی و نوشتاری نام را در زبان مقصد حفظ کرده است؛ در ۴۵ نمونه، شگرد نام خاص را با نامی دیگر در زبان مقصد جایگزین کرده است؛ در ده نمونه، بخشی از نام را حفظ، و بخشی دیگر را ترجمه کرده است؛ در ۸ نمونه، صورت آوایی و نوشتاری نام را تغییر داده است؛ و در ۲ نمونه، شگرد همان نام مبدأ را در ترجمه استفاده کرده، اما در پانویس، توضیحاتی آورده است. در نگاهی کلی می‌توان گفت که حسینی در ترجمه نام‌های خاص سه رمان فاکنر هم کوشیده است از رهگذر کاربست راهبردهای غرابت‌زایی (foreignizing strategies) به ویژگی‌های اصلی متون و به همین ترتیب، به ویژگی‌های سبکی ویلیام فاکنر وفادار بماند و از همین طریق، بخشی از ویژگی‌های فرهنگی زبان مبدأ را از طریق حفظ الگوهای آن، در زبان مقصد حفظ کند. از سوی دیگر، حسینی در مقام مترجم صاحب‌سبک، کوشیده است از رهگذر کاربست راهبردهای

				نامی دیگر که دو زیرمجموعه دارد:	
۰	۰	۰	۰	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مبدأ	iiia
۴۵	۱۶	۱۴	۱۵	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مقصد	iiib
۰	۰	۰	۰	جایگزینی نام به وسیله نام زبان مقصد به همراه مقداری اطلاعات و راهنمایی	iiiba
-	-	-	-	جایگزینی نام با نام زبان مقصد به همراه پانویس	iiibb
۰	۰	۰	۰	جایگزینی نام بدون ارائه توضیح	iiibc
-	-	-	-	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مبدأ	iiibd
-	-	-	-	حذف نام که دو زیرمجموعه دارد:	(III)
-	-	-	-	حذف نام	iiia

غرابت‌زدایی (domesticating strategies) به ویژگی‌های زبانی و فرهنگی زبان مقصد که زبان فارسی است، وفادار بماند و از همین طریق، ویژگی‌های فرهنگی زبان فارسی را از طریق حفظ الگوهای آن حفظ کند. در عین حال، حسینی از رهگذر وفاداری به ویژگی‌های سبکی و فرهنگی زبان فارسی، کوشیده است ویژگی‌های سبکی خود را حفظ کند و مسیر را برای اعلان حضور گفتمانی و به طریق اولی، صدای خود در مقام مترجم ادبی، هموار کند.

۵) نتایج و بحث و بررسی

دو نویسنده، پنج رمان، یک مترجم

این مقاله قصد داشت نشان بدهد چگونه ممکن است مترجمان ادبی ضمن حفظ ویژگی‌های سبکی و فرهنگی نویسندگان، گفتمانی و به همین ترتیب، سبک و صدای خود را نیز در ترجمه‌ها نشان بدهند. برای این منظور، کوشش شد ترجمه‌گری صالح حسینی در مقام مترجم ادبی در ترجمه نام‌های خاص به مثابه مقولات سبکی و فرهنگی نویسندگان بر اساس راهبردهای غرابت‌زدایی/زدایی بررسی شود. این مقاله، از میان الگوهای مختلف، الگوی لپی‌هالم را به مثابه چهارچوب نظری و عملی خود انتخاب کرد. دادگان نیز از پنج رمان دو نویسنده یعنی جرج آرول و ویلیام فاکنر جمع‌آوری شدند. به نظر می‌رسد بررسی آثار یک نویسنده که مترجم یکسان دارند نیز از منظر ترجمه‌گری نام‌های خاص جالب باشد. در واقع، ممکن است بتوان از منظر

الگوی لپی‌هالم، به الگو و یا الگوهایی تکرارشونده در کار یک مترجم دست یافت. اگر حصول به این الگوهای تکرارشونده ممکن باشد، آنگاه ممکن است این فرضیه را مطرح کرد که ترجمه‌گری نام‌های خاص از منظر الگوهای رایج در مطالعات ترجمه و از جمله الگوی لپی‌هالم، می‌تواند راه بررسی ویژگی‌های سبک‌شناختی مترجم در مقام نویسنده دوم را در زبان مقصد هموار کند و همچنین، زمینه را برای بررسی حضور مترجم از رهگذر حالت‌ها، سبک، و صدای مترجم در متون ترجمه شده فراهم آورد.

حال، پرسش اینجاست که قرار است مطالعات ترجمه متون ادبی از بررسی ترجمه‌گری نام‌های خاص که مترجمان انجام می‌دهند، چه نصیب ببرد؟ البته، در خلال بحث به این پرسش، پاسخ‌هایی داده شده است. در کل، با بررسی ترجمه‌گری نام‌های خاص در ترجمه‌های صالح حسینی، می‌توان گفت حسینی در مقام مترجم ادبی، در عمده کنش‌های ترجمه‌گری و در بیشتر رمان‌هایی که ترجمه کرده، گرایش نشان داده است که در وهله نخست با حفظ صورت آوایی و نوشتاری نام، ویژگی‌های سبکی متون مبدأ را تا حد امکان در زبان و فرهنگ مقصد نشان بدهد. در عین حال، حسینی با جایگزینی نام‌های خاص به ویژه نام گل‌ها، گیاهان یا مواد غذایی با نام‌های مشابه در زبان مقصد کوشیده است دست‌کم در سطح واژگان، وفاداری خود را به ویژگی‌های سبکی و فرهنگی زبان مقصد نشان بدهد. اگر بتوان سبک را عادت‌های زبانی نویسنده/مترجم در نظر

گرفت که بخش عمده آن، ناخودآگاه در آثار مختلف تکرار می‌شود، ممکن است بتوان این ادعا را مطرح کرد که گرایش حسینی به حفظ ویژگی‌های زبان و فرهنگ مبدأ و مقصد از رهگذر راهبردهای غرابت‌زایی و غرابت‌زدایی از جمله حفظ صورت آوایی و نوشتاری (راهبردهای غرابت‌زایی) از یک سو، و جایگزینی نام با نامی مشابه از سوی دیگر (راهبردهای غرابت‌زایی)، ممکن و محتمل است که ویژگی سبکی حسینی در مقام مترجم و به طریق اولی، نشانه‌های حضور گفتمانی و صدا و موقعیت وی در مقام کارگزار فعال در متونی به شمار آید که ترجمه کرده است. از این حضور و به رخ کشیدن عادت‌های زبانی مترجم از رهگذر عوامل درون‌زبانی - گیریم در سطح اقلام واژگانی - به سبک شناسی مترجم یاد می‌کنند که با سبک شناسی نویسنده هم‌ارز و از یک طریق یکسان بررسی‌شدنی هستند. در یک کلام، اگر نویسندگانی که حسینی آثارشان را ترجمه کرده، صاحب سبک‌اند که هستند، خود حسینی نیز در مقام مترجم ادبی، صاحب سبک است و در ترجمه‌هایش حضور دارد. در کل، همه بحث سبک‌شناسی مترجم این است که مترجم برای انتقال سبک‌شناسی نویسنده مجبور به انجام پاره‌ای تغییرات، حک و اصلاحات، و دستکاری‌های اجباری (obligatory shifts) و اختیاری (optional shifts) است که ماحصل آنها، ممکن است به بخشی از سبک‌شناسی مترجم منجر شود. در واقع، مترجم برای آنکه سبک نویسنده را در زبان مقصد بازآفرینی کند، خود باید صاحب سبک باشد. با این وصف، سبک نویسنده با سبک

مترجم یکسان است، گو اینکه عامل انتقال این سبک، یعنی زبان، از متن مبدأ به مقصد فرق می‌کند که کاملاً طبیعی است. وانگهی، نگره اصلی پس پشت سبک‌شناسی مترجم به بود یا نبود مترجم در متون ترجمه‌شده بازمی‌گردد که خود بحثی مستوفی می‌طلبد. با این حال، کلیات آن این است که ایدئولوژی و به ویژه هژمونی غالب که عمدتاً در جوامع مقتدر رواج دارد، از مترجم می‌خواهد که در متن ناپیدا و نامرئی باشد تا بتواند حضور بلافصل نویسنده اصلی را پررنگ نشان بدهد. در واقع، بر اساس این ایدئولوژی، آنچه اصالت دارد، نویسنده در مقام خالق متن و آفریننده آن گوهر وجودی و مکنون اثر است که معنا نام دارد؛ وظیفه مترجم فقط انتقال و بازآفرینی متن اصلی و آن گوهر مکنون در زبان مقصد است. در واقع، بر اساس این ایدئولوژی، مترجم، «خدمتکاری» بیش نیست که در خدمت متن اصلی و در واقع، مسئول انتقال آن معنای مکنون به زبان مقصد است. از این حیث، این باور ترجمه را در اصل، فعالیتی ثانویه، اشتقاقی، مکانیکی، و غیرخلاقانه در نظر می‌گیرد. با این حال، بحث این است که مترجم در فرایند ترجمه‌گری نمی‌تواند در متن مداخله نکند و در واقع، مجبور به مداخله و گاه شرح و تفسیر متن است. مترجم اولین مفسر و معبر متن و اولین خواننده متن است. مترجم ناگزیر به مداخله است هم بواسطه اجبارها و استلزامات زبانی، و هم به سبب اینکه، خود واجد سبک و صداست و نمی‌تواند در ترجمه مداخله نکند. حال، اگر چنانچه بوفون می‌گوید: «سبک، خود انسان/نویسنده است، می‌توان گفت که در ترجمه‌گری

هم سبک، خود مترجم است. اگر نویسنده در کار خلاقانه خود صاحب سبک است، مترجم نیز در کار خلاقانه خود که همان ترجمه است، صاحب سبک است. اما، ایدئولوژی غالب می‌خواهد که مترجم از متن غایب باشد؛ که مترجم در ترجمه نامریی شود؛ و در یک کلام، مترجم در متن حضور نداشته باشد. اما واقعیت این است که مترجم در متن حضور دارد و فعالیتی که انجام می‌دهد، اگر عالی‌تر از کار نویسنده نباشد، دانی‌تر نیست، چه مترجم، نویسنده ثانویه متن است و اگر خواننده با نویسنده‌ای در فرهنگ مقصد آشنا می‌شود، شک نکنیم که از رهگذر سبک و صدای مترجم آن اثر است. چگونه می‌شود خوانندگان یک اثر، متنی ترجمه شده را بخوانند و لذت ببرند، اگر پای مترجم در میان نباشد؟ در واقع، خوانندگان از اثر نویسنده اصلی لذت می‌برند، اما بواسطه و از زبان و ذهن چه کسی؟ پیداست که خوانندگان اثر، از رهگذر زبان و ذهن و بهتر است بگوییم، سبک و سیاق مترجم است که از اثر اصلی لذت می‌برند، اما چنان هم نیست که مترجم بخواهند نویسندگان و ویژگی‌های اثر اصلی را به کل در اثر ترجمه شده، مستحیل و ناپیدا کنند. به نظر می‌رسد ترجمه کارآمد، حاصل دو نواخت نویسنده و مترجم است: ترجمه نه نواخت نویسنده است و نه نواخت مترجم، چنانکه ارکستر مثلاً پیانو و ویولون، نواخت پیانیست و ویولونیست است و خواننده این دو نواخت را در کنار هم می‌بیند و لذت می‌برد، چنان‌که اگر یکی، نواختی ناکوک بزند و

باصطلاح، «خارج بزند»، نتیجه به گوش شنونده خوشایند نمی‌رسد. ارکستر کارآمد، هم‌نوازی دو نواخت است، و ترجمه که اثری بدیع و سنتزی از دو نواخت است، به تعبیر هلیکا پکانن (۲۰۱۰)، «دونوازی (duet) نویسنده و مترجم» (۱۰) است. هم ویژگی‌های سبکی نواخت نویسنده را دارد و هم ویژگی‌های زبانی و انتخاب‌ها و گزینش‌های سبکی نواخت مترجم را دارد که مترجم از میان هزاران گزینش از گنجینه زبان مادری خود اختیار کرده است. در اینجا، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که ترجمه هماهنگ، حاصل نواخت مترجمان با نواخت نویسندگان است که این نویسنده در جایی دیگر مفصل بدان پرداخته است (حری، در دست چاپ).

نتیجه‌گیری

در مجموع، ممکن است بتوان این ادعا را مطرح کرد که گرایش حسینی در مقام مترجم ادبی به حفظ ویژگی‌های زبان و فرهنگ مبدأ و مقصد از رهگذر کاربست راهبردهای به ترتیب، غرابت‌زایی و غرابت‌زدایی ممکن و محتمل است و ویژگی سبکی حسینی در مقام مترجم و به طریق اولی، نشانه‌های حضور گفتمانی وی در متون ترجمه شده در شمار آید که بر اساس الگوی لپه‌الم در قالب حفظ صورت آوایی و نوشتاری از یک سو، و جایگزینی نام با نامی مشابه از سوی دیگر خود را نشان می‌دهد. از این حضور به سبک‌شناسی مترجم یاد می‌کنند که با سبک‌شناسی نویسنده

قیاس شدنی خواهد بود. در مجموع، می‌توان به چند یافته‌
مشخص‌تر اشاره کرد:

(۱) اگر سبک را عادت‌های زبانی نویسندگان در
نظر بگیریم که از طریق الگوهای تکرارشونده به
صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در متون تکرار
می‌شوند، در متون ترجمه شده هم می‌توان به
طریق اولی، از این عادت‌های زبانی و الگوهای
تکرارشونده سراغ گرفت.

(۲) اگر این عادت‌های زبانی و الگوهای
تکرارشونده را بتوان ذیل سبک‌شناسی نویسنده
جای داد، می‌توان در فرایند ترجمه هم
سبک‌شناسی مترجم را بررسی کرد.

(۳) همان‌گونه که سبک‌شناسی نویسنده از منظر
الگوهای مختلف ردیاب‌پذیر هست،
سبک‌شناسی مترجم نیز از منظرهای مختلف
ردیاب‌پذیر می‌شود.

(۴) الگوی لپی‌هالم یکی از الگوهای ردیاب‌شونده
است که به سبب مؤلفه‌هایی که دارد می‌تواند
راهبردهای خاص مترجمان و از جمله
راهبردهای غرابت‌زایی/زدایی مترجمان را نشان
بدهد.

(۵) حسینی در ترجمه‌های مختلف از نویسندگان
مختلف نشان داده که از برخی الگوها و
عادت‌های زبانی خاص استفاده برده است.

(۶) حسینی در عمده ترجمه‌ها و به ویژه در پنج
ترجمه از دو نویسنده که در اینجا بررسی
شدند، نشان داد که هم از راهبردهای
غرابت‌زایی بهره گرفته است و هم از راهبردهای
غرابت‌زایی.

(۷) حسینی با کاربست این راهبردها هم به حفظ
ویژگی‌های زبانی و فرهنگی نویسندگان متون
اصلی وفاداری نشان داده و هم به حفظ
ویژگی‌های زبانی و فرهنگی زبان مقصد.

(۸) ترجمه‌گری نام‌های خاص از جمله شیوه‌های
بررسی ویژگی‌های زبانی و سبکی نویسندگان
است که ممکن است مسیر را برای بررسی
ویژگی‌های زبانی و سبکی مترجمان هموار کند.

(۹) اگر بنا به قولی مشهور، سبک، خود نویسنده
است، می‌توان گفت که در ترجمه‌گری هم
سبک، خود مترجم است.

(۱۰) سبک‌شناسی ترجمه، حاصل هم‌نوازی نویسنده
و مترجم است، چنان‌که پکانن نشان داده است.

<http://www.iatis.org/newvoices/issues/2006/fernandes-paper-2006>

Hervey, S., & Higgins, I. (2016/1992). *Thinking Translation*. London and New York: Routledge.

Leppihalme, R (1997). *Culture Bumps: An Empirical Approach to the Translation of Allusions*. UK: British Library.

Mezmaz, M. (2012). Problems of Idioms in Translation Case Study: First Year Master. M.A Thesis. Mentouri University.

Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. London: Prentice- Hall International.

Pekkanen, H. (2010). *The Duet between the author and the translator: An analysis of style through shifts in Literary Translation* (Unpublished doctoral dissertation). University of Helsinki.

Särkkä, H. (2017) *Translation of proper names in non-fiction texts* [on-line]. Available at

<http://translationjournal.net/journal/39proper.htm>.

Vermeer, J. H. (2007). *Is Translation a Linguistic or a Cultural Process?* Heidelberg: University

of Heidelberg.

Wu, J. (2008). *The Analysis of Cultural Gaps in Translation and Solutions*. *English Language Teaching*, 1(2), pp. 123-127.

أرول، جُرج (۱۳۸۹). *قلعه حیوانات*. ترجمه صالح حسینی. تهران: دوستان

أرول، جُرج (۱۳۸۹). ۱۹۸۴. ترجمه صالح حسینی. تهران: نیلوفر.

خُرّی، ابوالفضل (۱۳۹۸). *سخت ترجمه پذیری*

اسماء الحسنی با تکیه بر الگوهای رایج در ترجمه انگلیسی نام‌های خاص. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۶ (۱۱)، ۶۸-۳۷.

خُرّی، ابوالفضل (۱۳۸۹). *ترجمه گفتمان غیرمستقیم آزاد در سه ترجمه به سوی فانوس دریایی*. پژوهش‌های زبان‌های خارجی، ۵۷، ۱۹-۳۹.

عنابی سراب، محمدرضا (۱۳۸۸). *بررسی ترجمه اسامی*

خاص در رمان‌های ترجمه شده از انگلیسی به

فارسی برای نوجوانان. *مطالعات ترجمه*، ۷ (۲۸)، ۳۰-۹.

فاکتر، ویلیام (۱۳۸۸). *خشم و هیاهو*. ترجمه صالح حسینی. تهران: نیلوفر

فاکتر، ویلیام (۱۳۹۸). *برخیز ای موسی*. ترجمه صالح حسینی تهران: نیلوفر

فاکتر، ویلیام (۱۳۹۷). *آبشالوم! آبشالوم!* ترجمه صالح حسینی. تهران: نیلوفر

میرزاسوزنی، صمد (۱۳۸۷). *ترجمه اسامی خاص مشکلات و راهکارها*. *مطالعات ترجمه*، ۶ (۲۱)، ۷-۲۴.

Baker, M. (2018). *In Other Words: A Course Book on Translation*. London and New York: Routledge.

Baker, M. (2000). Towards a methodology for investigating the style of a literary translator. *Target* 12(2), 241-266.

Fernandes, L. (2006). *Translation of names in children's fantasy literature: Bringing young reader into play*. [On-line]. Available at